

# ضمانت اجراهای قانونی در حقوق ایران در زمینه رعایت حقوق بشر

● دکتر حسین مهرپور

## مقدمه

پیش از ورود در بحث که بیان تضمینات قانونی و مقررات مدون در نظام جمهوری اسلامی ایران، برای رعایت و اجرای حقوق بشر است، لازم است به نکاتی اشاره شود:

۱ - توجه به حقوق بشر و اقدامات جهانی برای تبیین اصول آن و تضمین اجرای آنها، پس از جنگ جهانی دوم و مخصوصاً در دو دهه اخیر فزونی یافته و بخش عمده‌ای از مباحث نهادهای مختلف سازمان ملل را به خود اختصاص داده است.

تلاش وسیعی برای تثبیت فکر جهان شمولی مفاهیم حقوق بشر و پای‌بند نمودن همه دولت‌ها بر پذیرش و رعایت اصول واحدی به عنوان اصول حقوق بشر صورت می‌گیرد.

در اعلامیه کنفرانس جهانی حقوق بشر وین سال ۱۹۹۳ بر وظیفه خطیر همه دولت‌ها بر انجام تعهدات خود نسبت به احترام، رعایت و حمایت حقوق بشر برای همه بر طبق منشور ملل متحد و دیگر اسناد مربوط به حقوق بشر تأکید شده و تصریح گردیده که حقوق بشر و آزادی‌های اساسی حق ذاتی همه انسانهاست حمایت از آنها و ارتقاء آنها نخستین مسئولیت دولتهاست<sup>(۱)</sup>

کوشش‌های زیادی برای بین‌المللی کردن حقوق بشر و درآوردن مقررات آن بصورت قواعد بین‌المللی در جریان است هم چنین سعی می‌شود از یکسو مراجع قضایی فراملیتی برای رسیدگی به شکایات مربوط به نقض حقوق بشر مانند دادگاه اروپایی حقوق بشر ایجاد گردد و از

سوی دیگر مقررات مربوط به حقوق بشر در قانونگذاری داخلی کشورها وارد شود و یا کشورها براساس آن مقررات قوانین داخلی خویش را اصلاح کنند.

۲ - با اینکه برخی مفاهیم حقوق بشر روشن و برای همه شناخته شده است، بعضی از مفاهیم آن تاب تفسیرهای و توجیه‌های گوناگون را دارد و یا قیود و حالات استثنایی که در اسناد مربوط به حقوق بشر می‌آید، راه را برای اظهار نظر و برداشتهای مختلف باز می‌کند. نظرها و برداشتهای نیز متفاوت است و معمولاً دولتها هنگام تصویب یک میثاق بین‌المللی مربوط به حقوق بشر از حق تحفظ استفاده کرده با اعلام قید و یا بیان اعلامیه، در واقع قوانین داخلی خود را مقدم داشته و مفاهیم حقوق بشری اعلام شده در اسناد بین‌المللی را آنگونه که خود می‌فهمند تفسیر می‌کنند و در این تفسیر نظم عمومی و امنیت ملی خویش را مقدم می‌شمرند. در این زمینه کافی است به دو سه نمونه از قیودی که دولت آمریکا و فرانسه بر مهمترین میثاق بین‌المللی حقوق بشر یعنی میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی وارد کرده‌اند اشاره نمود. در حالیکه آمریکا با صدور اعلامیه معروف استقلال و فرانسه با اعلامیه حقوق بشر سال ۱۷۸۹ و اعلامیه اصل معروف: آزادی، برابری و برادری در واقع پایه‌گذاران اعلامیه جهانی حقوق بشر محسوب شده و خود را طرفدار فعال اصول حقوق بشر و جهان شمولی آن می‌دانند.

طبق ماده ۵ اعلامیه جهانی حقوق بشر هرگونه شکنجه یا مجازات یا رفتار ظالمانه و برخلاف انسانیت و شؤن بشری ممنوع است و همین معنی در ماده ۷ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی نیز تصریح شده است دولت آمریکا در هنگام تصویب میثاق اعلام داشته که نسبت به ماده ۷ خود را ملزم می‌داند از رفتار ظالمانه و غیرانسانی یا مجازات خلاف شؤن انسانیت به مفهومی که در اصلاحیه‌های قانون اساسی آمریکا آمده است خودداری کند.

ماده ۲۰ میثاق می‌گوید: هرگونه تبلیغ برای جنگ به موجب قانون ممنوع است دولت آمریکا بر این ماده تحفظ دارد و می‌گوید نمی‌تواند آزادی بیان و اجتماعات را که طبق قانون اساسی و دیگر قوانین آمریکا حمایت شده محدود نماید:

دولت فرانسه در این رابطه اعلام می‌کند که در مورد مفهوم "جنگ" که در ماده ۲۰ تبلیغ برای آن ممنوع شده باید به مفهوم نقض قوانین و ملاحظات بین‌المللی باشد و بهرحال قانونگذاری فرانسه برای تبیین این مفهوم صالح است.

همچنین در رابطه با ماده ۲۷ که می‌گوید: در کشورهایی که اقلیتهای نژادی، مذهبی یا زبانی وجود دارند، اشخاص متعلق به اقلیتهای مزبور را نمی‌توان از این حق محروم نمود که مجتمعاً با سایر افراد و گروه خودشان از فرهنگ خاص خود متمتع شوند و به دین خود متدین

بوده بر طبق آن عمل کنند یا به زیان خود تکلم نمایند. دولت فرانسه اعلام داشته در پرتو اصل ۲ قانون اساسی فرانسه، این ماده تا آنجا که مربوط به جمهوری فرانسه می‌شود قابل اجرا نیست<sup>(۲)</sup> اصل دوم قانون اساسی فرانسه می‌گوید: فرانسه یک جمهوری غیر قابل تجزیه غیر مذهبی، دمکراتیک و اجتماعی است دولت اصل برابری در مقابل قانون را برای تمام اتباع خود بدون در نظر گرفتن نژاد، و مذهب تضمین می‌نماید و به تمام اعتقادات احترام می‌گذارد.

بهرحال، فرانسه در مورد آزادی مذهبی و رعایت حقوق اقلیتهای مذهبی موضوع را به قانون اساسی خود احاله داده که طبعاً تفسیر و تبیین آن با دولت مزبور است و در مواردی به استناد اصل مزبور و به بهانه خدشه‌دار نشدن اصل لائیک بودن دولت از آزادی رفتار پیروان برخی از مذاهب در عمل به دستورات مذهبی‌شان ممانعت به عمل می‌آورد.

در این راستا مسئله ممانعت دولت فرانسه از ورود دختران مسلمان دارای روسری به مدارس و حتی اخراج آنها از مدرسه که چند سالی است جریان دارد قابل توجه است. با اینکه اصل آزادی رفتار و فکر و عقیده و عمل وفق دستورات مذهبی هر شخص از اصول مسلم شناخته شده در اعلامیه جهانی حقوق بشر و میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی است، دولت فرانسه با برداشتهای خاص خود و با استناد به اصل ۲ قانون اساسی خویش مبنی بر اصل لائیک بودن دولت و احتمال خدشه‌دار شدن به این اصل در صورت مجاز دانستن ورود دختران محجبه مسلمان به مدارس، جلو آزادی افراد را در این خصوص می‌گیرد. و بحث مهمی که در پی این اقدام دولت در بین صاحب‌نظران در می‌گیرد، بررسی این امر است که آیا مجاز دانستن رفتن چند دختر با روسری به مدرسه که نوعی نشان دهنده تعلق آنها به مذاهب خاصی می‌باشد به اصل لائیک بودن جمهوری فرانسه لطمه می‌زند یا خیر؟

در این زمینه نظر دو پهلو و غیر صریح شورای دولتی فرانسه قابل تأمل است که می‌گوید: حمل روسری بوسیله دختران که از طریق آن تعلق خود را به یک مذهبی ابراز می‌کنند در حد اجرای حق آزادی بیان و عقیده و ابراز آن فی‌نفسه با اصل لائیک بودن در تضاد نیست، ولی این آزادی به دانش‌آموزان اجازه نمی‌دهد که با پوشیدن روسری مخصوصاً در شرایط و اوضاع و احوال خاص موجب تبلیغ و ترویج دین خود شده و نتیجتاً به جامعه فرهنگی و فعالیت سالم علمی و نتیجتاً نظم آموزشی لطمه وارد نمایند...<sup>(۳)</sup>

ملاحظه می‌شود که چگونه با این توجیحات و برداشتهای ملی و داخلی از اعماق حق آزادی افراد در بسیط‌ترین نمود آن که طرز پوشش باشد جلوگیری می‌شود. در واقع همان شیوه‌ای که نظامهای مذهبی با اتکا به مبانی اجتماعی و قانون اساسی خود

برخی آزادیهای تبعه خود را که مغایر با اصول مسلمة مذهبی می‌دانند، محدود می‌نمایند و آنهمه مورد انتقاد قرار می‌گیرند در اینجا برای عکس آن یعنی بی‌قیدی مذهبی LAICISM به کار گرفته شده است.

۳- در اعلامیه جهانی حقوق بشر و میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی و قبل از آنها در منشور ملل متحد بر حق آزادی عقیده و بیان مذاهب و اظهار عقیده و ایمان و انجام مراسم مذهبی تأکید شده است (مواد ۱۸ و ۱۹ اعلامیه جهانی حقوق بشر و مواد ۱۸ و ۱۹ و ۲۷ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی) و در ضمن مواد مختلف در واقع دولتهای عضو از هرگونه بها یا امتیاز دادن به مذهبی خاص ممنوع شده‌اند.

استثنایی که بر آزادی مطلق بیان و ابراز عقیده مذهبی و نیز آزادیهای دیگر در اعلامیه جهانی حقوق بشر و میثاق فوق‌الذکر وارد شده عبارت است از: رعایت حقوق دیگران، ملاحظه نظم و امنیت عمومی، حفظ اخلاق عمومی.

بناد ۲ ماده ۲۹ اعلامیه جهانی حقوق بشر مقرر می‌دارد: «هرکس در اجرای حقوق و استفاده از آزادیهای خود، فقط تابع محدودیتهایی است که بوسیله قانون، منحصرأ به منظور تأمین شناسایی و مراعات حقوق و آزادیهای دیگران و برای مقتضیات صحیح اخلاقی و نظم عمومی و رفاه همگانی در شرایط یک جامعه دموکراتیک وضع گردیده است».

و بند ۳ ماده ۱۸ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی می‌گوید: «آزادی ابراز مذهب یا معتقدات را نمی‌توان تابع محدودیتهایی نمود مگر آنچه منحصراً به موجب قانون پیش‌بینی شده و برای حمایت از امنیت، نظم، سلامت یا اخلاق عمومی یا حقوق و آزادیهای اساسی دیگران ضرورت داشته باشد».

در بند ۳ ماده ۱۹ نیز محدودیتهایی مربوط به آزادی بیان در دو بند به شرح زیر بیان شده است.

#### الف - احترام حقوق یا حیثیت دیگران

##### ب - حفظ امنیت ملی یا نظم عمومی یا سلامت یا اخلاق عمومی

تا زمانیکه نظام حقوقی بین‌المللی حقوق بشر ایجاد نشده، طبعاً تشخیص و تبیین این مفاهیم استثنایی با خود دولتهاست که به مقتضای عوامل مختلف اجتماعی و سیاسی جامعه خود آنها را تفسیر نموده و بر مبنای آن عمل می‌کنند.

شاید استناد به مفاهیم امنیت ملی و نظم عمومی برای محدود کردن آزادیها در بین دولتها رایج و مأنوس باشد ولی ایجاد محدودیت در جهت حفظ اخلاق عمومی یا رعایت مقتضیات

صحیح اخلاقی، امروزه کمتر مورد توجه است و نسبت به دو عذر دیگر برای محدود کردن آزادیها پذیرش کمتری دارد و مفهوم آن نیز شکننده تر و با توجه به شرایط اجتماعی و اقلیمی مختلف متغیرتر است. در حالیکه حفظ و سلامت اخلاق عمومی برای برقراری نظم عمومی و امنیت ملی هم اهمیت بسزایی دارد.

۴ - حکومت ایران، حکومتی است مذهبی یعنی بر مبنای اعتقاد به خدا و بر اساس مبانی مذهب اسلام بنیان‌گذاری شده است (اصل ۱ و ۲ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران)

بنابراین برخلاف حکومت‌های لائیک حفظ نظام توحیدی و مذهب الهی برای یک اصل ارزشی است و از این رو به خود حق می‌دهد که این ارزش را حفظ کند و با اعمالی که به این اصل لطمه وارد می‌آورند مقابله نماید، حداقل همانگونه که مثلاً دولت فرانسه حق مشروع خود می‌داند با اعمال رفتارهایی که ممکن است به اصل لائیک بودن آن لطمه وارد آورد مقابله کند، و چون دین اکثریت عظیم مردم ایران اسلام است، بنابراین، دین مزبور به عنوان دین رسمی حکومت شناخته شده و ارکان حکومت و قوانین جاری در کشور بر اساس مبانی اصلی و مسلم این دین تنظیم و اجرا می‌شود. و طبعاً مشاغل اصلی و کلیدی حکومت نیز در دست کسانی است که به این دین معتقد بوده و مبنای بودن آن را برای حکومت قبول دارند، از همین رو است که شرط احراز برخی از مشاغل مانند رهبری، ریاست جمهوری و نمایندگی مجلس شورای اسلامی (جز نمایندگان مربوط به اقلیت‌های مذهبی) قضاوت و امثال آنها مسلمان بودن است. در حالیکه در برخی از کشورها شرط احراز برخی مشاغل لائیک بودن و عدم وابستگی به مذهب خاص است چنانکه طبق قانون اساسی فدرال سوئیس شرط عضویت در مجلس ملی و دادگاه فدرال لائیک بودن است. (اصول ۷۵ و ۱۰۸ قانون اساسی سوئیس).<sup>(۴)</sup>

با توجه به مبنای فوق طبیعی است که تبلیغ علیه مذهب رسمی و اظهارات و اعمال خلاف اخلاق عمومی نمی‌تواند به عنوان آزادی بیان و اظهار عقیده مجاز باشد بلکه مشمول مستثنیات بندهای الف و ب شق ۳ ماده ۱۹ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی و بند (۱) ماده ۲۹ اعلامیه جهانی حقوق بشر است.

البته آزادی اشخاص در داشتن هرگونه عقیده مذهبی و عدم تعرض به آنها بدین جهت در اصل ۲۳ قانون اساسی<sup>(۵)</sup> تضمین شده و ابراز ساده عقیده مزبور هم در صورتیکه عنوان اقدام علیه نظام و اخلال در نظم و اخلاق عمومی به خود نگیرد، طبق قوانین موضوعه فعلی محدودیت و مجازاتی ندارد.

در این رابطه در اینجا مسئله ارتداد و احکام مربوط به آن مطرح است که در مقررات

اسلامی احکامی دارد و از آن دیدگاه باید مورد بحث و کنکاش قرار گیرد.<sup>(۶)</sup>

۵ - سرانجام، ممکن است برخی قوانین و مقررات جمهوری اسلامی ایران، با مفاهیم رایج حقوق بشری تناسب نداشته باشد. این قوانین که عموماً چهره شرعی دارند و بر مبنای انطباق با احکام اسلامی، تنظیم شده‌اند دو دسته‌اند: بعضی از آنها با توجه به مبانی ذکر شده در فوق و بر اساس برداشت متفاوتی که از آزادی انسان و شرافت و کرامت و حیثیت ذاتی او و نظم عمومی و سلامت اخلاق جامعه وجود دارد تنظیم شده‌اند.

دسته‌ای از آنها می‌توانند مورد بازبینی و مطالعه مجدد قرار گیرند و احیاناً اصلاحاتی در آنها به عمل آید که هم اکنون بحثها و تحقیقات مختلفی در مورد آنها در حال جریان است.

### ضمانت اجراهای قانونی

برای تضمین اجرای حقوق انسانی افراد، از یک طرف تمهیدات قانونی وجود دارد و از سوی دیگر سازمانها و نهادهایی پیش‌بینی شده‌اند که بر حسن اجرای قانون نظارت دارند که ذیلاً اشاره‌ای به هر دو قسمت می‌شود:

### الف - تمهیدات قانونی

در این قسمت به برخی از عناوین و موضوعاتی که به عنوان حقوق انسانی در اسناد بین‌المللی حقوق بشر آمده اشاره می‌شود. و تمهیدات قانونی که در مقررات جمهوری اسلامی ایران برای حفظ و رعایت و محدودده آنها وجود دارد و در دو قسمت ذکر می‌شود:

#### قسمت اول: حقوق مدنی و قضایی:

۱ - اصل برائت - یکی از اصول مسلم و شناخته شده در محاکمات، اصل برائت است یعنی باید بنا را بر بی‌گناهی افراد گذاشت تا اینکه با رسیدگی صحیح و عادلانه جرم کسی در یک مرجع صالح قانونی ثابت شود، قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران بر رعایت این اصل تأکید دارد و اصل ۳۷ می‌گوید: «اصل برائت است و هیچکس از نظر قانون مجرم شناخته نمی‌شود، مگر اینکه جرم او در دادگاه صالح ثابت گردد».

اصل برائت نه تنها در امر کیفری بلکه در دعاوی حقوقی و مدنی نیز جاری است و طبق قانون هر شخص بری‌الذمه محسوب می‌شود مگر اینکه دین او ثابت شود. ماده ۳۵۶ قانون آیین دادرسی مدنی مقرر می‌دارد: «اصل برائت است، بنابراین اگر کسی مدعی حق یا دینی بر دیگری باشد باید آن را اثبات کند والا مطابق این اصل، حکم به برائت مدعی علیه خواهد شد».

۲ - عطف به ماسبق نشدن قانون - در واقع، اصل براءت به معنای وسیع آن اقتضا می‌کند کسی که مرتکب عملی شده و درحین ارتکاب، قانون آن عمل را جرم نشناخته، به مجازات محکوم نشود و در نتیجه قانونی که بعد از ارتکاب عمل تصویب می‌شود و آن را جرم می‌شناسد و برایش مجازات تعیین می‌کند نمی‌تواند به عمل ارتكابی پیشین تسری پیدا کند و مبنای تعیین مجازات برای آن واقع شود. اصل براءت و قاعده قبح عقاب بلا بیان اقتضا می‌کند که در امور کیفری، حتی خود قانونگذار هم نتواند قانونی را که وضع می‌کند، تاریخ اجرای آن را به عقب برگرداند و بر اعمال قبل از تصویب قانون سرایت دهد. ماده ۱۵ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی در این زمینه می‌گوید: «هیچکس به علت فعل یا ترک فعلی که در موقع ارتکاب برطبق قوانین ملی یا بین‌المللی جرم نبوده محکوم نمی‌شود و همچنین هیچ مجازاتی شدیدتر از آنچه در زمان ارتکاب جرم قابل اعمال بوده تعیین نخواهد شد».

این اصل در قوانین جمهوری اسلامی ایران نیز وجود دارد و طبق اصل ۱۶۹ قانون اساسی: «هیچ فعل یا ترک فعلی به استناد قانونی که بعد از آن وضع شده است، جرم محسوب نمی‌شود». و ماده ۱۱ قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۷۰ می‌گوید: «در مقررات و نظامات دولتی مجازات و اقدامات تأمینی و تربیتی باید به موجب قانونی باشد که قبل از وقوع جرم مقرر شده باشد و هیچ فعل یا ترک فعل را نمی‌توان به عنوان جرم به موجب قانون متأخر، مجازات نمود، لیکن اگر بعد از وقوع جرم، قانونی وضع شود که مبنی بر تخفیف یا عدم مجازات بوده و یا از جهات دیگر، مساعدتر به حال مرتکب باشد، نسبت به جرایم سابق بر وضع آن قانون تا صدور حکم قطعی مؤثر خواهد بود...»<sup>(۷)</sup>

۳ - ممنوعیت بازداشت خودسرانه - تعقیب افراد و بازداشت آنها باید بر مبنای قانون و با مجوز قانونی باشد، اصل ۳۲ قانون اساسی مقرر می‌دارد: «هیچکس را نمی‌توان دستگیر کرد مگر به حکم و ترتیبی که قانون معین می‌کند، در صورت بازداشت، موضوع اتهام باید با ذکر دلایل بلافاصله کتباً به متهم ابلاغ و تفهیم شود و حداکثر ظرف مدت بیست و چهار ساعت پرونده مقدماتی به مراجع صالحه قضایی ارسال و مقدمات محاکمه در اسرع وقت فراهم گردد، متخلف از این اصل، طبق قانون مجازات می‌شود».

بر طبق ماده ۷۱ قانون تعزیرات مصوب سال ۱۳۶۲: «هرکس از مقامات یا مأمورین دولتی یا قوای سه‌گانه یا غیر آنها بدون حکمی از مقامات صلاحیتدار در غیر مواردی که قانون جلب و توقیف اشخاص را تجویز نموده شخص را توقیف یا حبس کند یا عنفا در محلی مخفی نماید به شش ماه تا سه سال حبس و محرومیت از خدمات دولتی محکوم می‌شود...» و ماده

۵۳ همان قانون مقرر می‌دارد: هرگاه دادستانها یا دادیارها یا بازپرس‌ها یا قضات محاکم یا دیگر مأمورین ذی‌صلاح در غیر مواردی که قانون مقرر داشته است امر به توقیف کسی را بدهند یا در غیر موارد معینه قانونی تحت تعقیب جزایی یا قرار مجرمیت او را بدهند به انفصال دائم از شغل و محرومیت از مشاغل دولتی به مدت پنج سال محکوم خواهد شد.

۴ - ممنوعیت شکنجه - در قوانین جمهوری اسلامی ایران تصریح به ممنوعیت شکنجه شده و تضمیناتی برای جلوگیری از آن پیش‌بینی شده است، اصل ۳۸ قانون اساسی اعلام می‌دارد: «هرگونه شکنجه برای گرفتن اقرار و یا کسب اطلاع ممنوع است اجبار شخص به شهادت، اقرار یا سوگند مجاز نیست، و چنین شهادتی و اقرار و سوگندی، فاقد ارزش و اعتبار است متخلف از این اصل، طبق قانون مجازات می‌شود.»

ماده ۵۸ قانون تعزیرات مصوب سال ۱۳۶۲ نیز مقرر می‌دارد: هرگاه یکی از مستخدمین و مأمورین قضایی یا غیر قضایی دولت، برای اینکه، متهمی را مجبور به اقرار کند، او را اذیت و آزار بدنی کرده یا در این باب امری دهد، به حبس از شش ماه الی ۳ سال محکوم خواهد شد، و اگر متهم به واسطه اذیت و آزار فوت کند، مرتکب مجازات قاتل و آمر، مجازات آمرقتل را خواهد داشت.

ماده ۱۷۶ آئین‌نامه قانونی و مقررات اجرایی سازمان زندانها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور مصوب ۱۳۷۲/۱/۷ رئیس قوه قضاییه هم در این زمینه می‌گوید: «تندخویی، دشنام، ادای الفاظ رکیک یا تنبیه بدنی زندانی و اعمال تنبیهات خشن و مشقت بار و موهن در زندانها به کلی ممنوع است...»

قانون اساسی نیز علاوه بر ممنوعیت شکنجه هتک حرمت و اهانت به فرد تحت تعقیب را ممنوع نموده، طبق اصل ۳۹: «هتک حرمت و حیثیت کسی که به حکم قانون، دستگیر، بازداشت، زندانی، یا تبعید شده بهر صورت که باشد ممنوع و موجب مجازات است.»

آنچه در حال حاضر در قوانین جمهوری اسلامی ایران در زمینه مجازات وجود دارد اجرای مجازات بدنی، نظیر شلاق زدن و احیاناً قطع دست است که براساس احکام و موازین اسلامی تنظیم شده و صرفاً به عنوان مجازات تعیین شده از سوی دادگاه اجرا می‌گردد و البته عملاً مورد اجرای آن زیاد نیست.

از اینکه این نوع مجازاتها به طور مطلق مشمول عنوان مجازاتها و رفتارهای ظالمانه و غیر انسانی که در میثاق بین‌المللی حقوق مدنی، سیاسی، ممنوع شده و در ماده ۲ اعلامیه حمایت از افراد انسان در مقابل شکنجه و دیگر مجازاتهای ظالمانه و غیر انسانی به عنوان جنایت علیه



شرافت انسانی محسوب و محکوم شده می‌باشند یا خیر؟ و آیا مقررات مربوطه جمهوری اسلامی ایران، می‌تواند در این موارد اصلاح شود یا نه، بحث جداگانه‌ای را می‌طلبد.

۵ - حق استفاده از وکیل - امکان دسترسی داشتن به وکیل و مشاور قضایی برای اصحاب دعوی و مخصوصاً متهم یک حق اساسی و از جمله حقوق انسانی در محاکمات محسوب می‌شود.

در قوانین جمهوری اسلامی ایران به مناسبت‌های مختلف به این حق و لزوم مراعات آن در مراجع قضایی تصریح شده است.

به حکم اصل ۳۵ قانون اساسی: «در همه دادگاهها، طرفین دعوی حق دارند برای خود وکیل انتخاب نمایند و اگر توانایی انتخاب وکیل را نداشته باشند، باید، برای آنها امکانات تعیین وکیل فراهم گردد».

طبق ماده ۳۱۴ قانون آئین دادرسی کیفری: «در کلیه امور جزایی متهم می‌تواند حداکثر تا ۳ نفر وکیل انتخاب نماید...» و به حکم تبصره ۱۱۲ همان قانون متهم در مرحله بازجویی در دادرسی نیز می‌تواند یک نفر از وکلای دادگستری را با خود داشته باشد.

به حکم ماده ۷ آئین نامه دادگاهها و دادرسی‌های انقلاب مصوب سال ۱۳۵۸ نیز: «هر متهم حق تعیین یک وکیل ایرانی را خواهد داشت که بر مسایل قضایی و حقوق جزایی اسلام آگاه باشد».

طبق قانون محاکم جنایی و رای وحدت رویه هیأت عمومی دیوان عالی کشور شماره ۱۵-۱۳۶۳/۶/۲۸ در جرائمی که مجازات آنها اعدام یا حبس دائم است حضور وکیل الزامی است و در صورت صدور رأی بدون حضور وکیل، رأی مزبور در دیوان عالی کشور نقض خواهد شد.

و سرانجام به موجب ماده واحده قانون انتخاب وکیل توسط اصحاب دعوی مصوب سال ۱۳۷۰، کلیه دادگاهها مکلف به پذیرش وکیل می‌باشند و امتناع از پذیرش وکیل، موجب نقض حکم در دیوان عالی کشور و مجازات انتظامی قاضی مربوطه می‌شود.

۶ - علنی بودن دادرسی - در واقع علنی بودن محاکمات مخصوصاً در امور جزایی، وسیله‌ای است برای نظارت عمومی بر محاکم و تضمین رعایت حقوق افراد، انجام محاکمه به طور مخفیانه و در اطاق دربسته، نگرانی عدم رعایت صحیح قانون و اجرای تضمینات لازم برای احقاق حقوق اصحاب دعوی و متهمین را در بردارد. از این رو علنی بودن محاکمات و امکان حضور تماشاچی، به عنوان یک اصل و قاعده پذیرفته شده است سری بودن محاکمات یک امر

استثنایی است که در موارد خاص با تصمیم دادگاه امکانپذیر است. مسئله علنی بودن دادرسی در قوانین متعدد جمهوری اسلامی ایران مورد تأکید قرار گرفته است.

طبق تبصره ۱ ماده ۹ آیین‌نامه دادگاهها و دادرهای انقلاب: «دادگاه علنی است مگر آنکه رئیس دادگاه سری بودن آن را ضروری تشخیص دهد».

و وفق اصل ۱۶۵ قانون اساسی: «محاكمات علنی انجام می‌شود و حضور افراد بلامانع است مگر آنکه به تشخیص دادگاه علنی بودن آن منافی عفت عمومی یا نظم عمومی باشد یا در دعاوی خصوصی، طرفین دعوی تقاضا کنند که محاکمه علنی نباشد.

همین معنی در مواد ۳۲۷ قانون آئین دادرسی کیفری و ۱۳۶ قانون آیین دادرسی مدنی و اصل ۱۶۸ قانون اساسی در مورد جرایم سیاسی و مطبوعاتی نیز بیان شده است.

### قسمت دوم: حقوق سیاسی

۱- آزادی - آزادی در اشکال مختلف آن یعنی آزادی عقیده و فکر و اندیشه و آزادی بیان و آزادی تشکیل اجتماعات و شرکت در آنها و آزادی قلم و مطبوعات یکی از حقوق مهم انسانی است که در اعلامیه جهانی حقوق بشر و میثاق بین‌المللی مدنی و سیاسی بر آن تأکید شده است. در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و قوانین عادی و اصولاً بر لزوم وجود و حفظ این آزادی‌ها تأکید شده است.

اصل نهم قانون اساسی می‌گوید: «در جمهوری اسلامی ایران آزادی و استقلال و وحدت و تمامیت ارضی کشور از یکدیگر تفکیک ناپذیرند... و در ذیل اصل می‌گوید: ...هیچ مقامی حق ندارد به نام حفظ استقلال و تمامیت ارضی کشور، آزادیهای مشروع را هر چند با وضع قوانین و مقررات سلب کند.

و ماده ۴۸ قانون تعزیرات مقرر می‌دارد: «هر یک از وزرا و مقامات و مأمورین دولتی که برخلاف قانون آزادی شخصی افراد ملت را سلب کند، یا افراد ملت را از حقوقی که قانون اساسی جمهوری اسلامی به آنها داده محروم نمایند از شغل خود متفصل و از سه تا پنج سال از مشاغل دولتی محروم خواهد شد».

بند ۷ اصل سوم قانون اساسی از جمله وظایف اصلی دولت را: «تأمین آزادیهای سیاسی و اجتماعی در حدود قانون» می‌داند.

طبق اصل ۲۴ قانون اساسی: نشریات و مطبوعات در بیان مطالب آزادند مگر آنکه مخل

به مبانی اسلام یا حقوق عمومی باشد...»

ماده ۳ قانون مطبوعات مصوب سال ۱۳۶۴ نیز می‌گوید: «مطبوعات نظرات، انتقادات سازنده پیشنهادها توضیحات مردم و مسئولین را با رعایت موازین اسلامی و مصالح جامعه درج و به اطلاع عموم برسانند».

و ماده ۶ همان قانون مقرر می‌دارد: «نشریات جز در موارد اخلال به مبانی و احکام اسلام و حقوق عمومی که در این فصل مشخص می‌شوند، آزادند...»

و به حکم ماده ۴: «هیچ مقام دولتی و غیر دولتی حق ندارد برای چاپ مطلب یا مقاله در صدد اعمال فشار بر مطبوعات برآید و یا به سانسور و کنترل نشریات مبادرت کند».

در جهت تأمین آزادی مشروع مطبوعات، اصل ۱۶۸ قانون اساسی تأکید بر علنی بودن حضور هیأت منصفه در محاکمه جرایم مطبوعاتی نیز مقرر می‌دارد: «رسیدگی به جرایم سیاسی و مطبوعاتی علنی است و با حضور هیأت منصفه در محاکم دادگستری صورت می‌گیرد...»

و ماده ۳۴ قانون مطبوعات نیز مقرر می‌دارد، «به جرایم ارتكابی وسیله مطبوعات در دادگاه صالحه با حضور هیأت منصفه رسیدگی می‌شود».

طبق اصل ۲۷ قانون اساسی «تشکیل اجتماعات و راهپیماییها بدون حمل سلاح به شرط آنکه مخل به مبانی اسلام نباشد آزاد است».

اصل ۲۶ قانون اساسی در زمینه آزادی تشکیل احزاب می‌گوید، احزاب، جمعیت‌ها، انجمن‌های سیاسی و صنفی و انجمنهای اسلامی یا اقلیتهای دینی شناخته شده آزادند، مشروط به اینکه اصول استقلال، آزادی، وحدت ملی، موازین اسلامی و اساس جمهوری اسلامی را نقض نکنند».

در تبصره ۲ ماده ۶ قانون فعالیت احزاب مصوب شهریور ماه سال ۱۳۶۰ نیز آمده است که: «برگزاری راهپیماییها با اطلاع وزارت کشور بدون حمل سلاح در صورتیکه به تشخیص کمیسیون ماده ۱۰ مخل به مبانی اسلام نباشد و نیز تشکیل اجتماعات در میداين و پارکهای عمومی با کسب مجوز از وزارت کشور آزاد است».

محدود کردن آزادی‌های مختلف به عدم اخلال به مبانی اسلام که در اصول مختلف قانون اساسی و مواد قانون عادی آمده، بدین جهت است که بنیان حکومت براساس مبانی اسلامی گذاشته شده و آراء ملت برای استقرار چنین حکومتی ابراز شده و نظم عمومی جامعه با ویژگیهایی که جامعه ما دارد، با استحکام مبانی اسلامی و مذهبی استقرار می‌یابد بنابراین طبیعی است مانند هر حکومتی که حق دارد برای اعمالی که به اساس آن و نظم و اخلاق عمومی

جامعه‌اش لطمه وارد می‌آورد محدودیتهایی قایل شود دولت جمهوری اسلامی ایران هم در همان راستای مقررات میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی مجاز است و محدودیتهایی قانونی در این رابطه برقرار نماید.

۲ - تساوی - تساوی در مقابل قانون و استحقاق حمایت بالسویه قانون برای همه و نیز تساوی همه افراد در مقابل دادگاهها و مراجع دادگستری و امکان دادخواهی برای همه از حقوق شناخته شده انسانی در میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی است (مواد ۱۴ و ۲۶)<sup>(۸)</sup> برای تأمین این منظور در قانون اساسی و برخی قوانین دیگر مقرراتی پیش‌بینی شده است که مروری بر آنها می‌نماییم:

بند ۱۴ اصل سوم قانون اساسی یکی از وظایف دولت جمهوری اسلامی ایران را: «تأمین حقوق همه جانبه افراد از زن و مرد و ایجاد امنیت قضایی عادلانه برای همه و تساوی عموم را برابر قانون» می‌شمارد.

اصل ۱۹ می‌گوید: «مردم ایران از هر قوم و قبیله که باشند از حقوق مساوی برخوردارند و رنگ، نژاد، زبان و مانند اینها سبب امتیاز نخواهد بود».

در ذیل اصل ۱۰۷ تصریح شده که: رهبر در برابر قوانین با سایر افراد کشور مساوی است. طبق اصل ۲۰: «همه افراد ملت اعم از زن و مرد یکسان در حمایت قانون قرار دارند و از همه حقوق انسانی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، و فرهنگی با رعایت موازین اسلامی برخوردارند».

اصل ۳۴ مقرر می‌دارد: «دادخواهی حق مسلم هر فرد است و هرکس می‌تواند به منظور دادخواهی به دادگاههای صالح رجوع نماید، همه افراد ملت حق دارند اینگونه دادگاهها را در دسترس داشته باشند و هیچکس را نمی‌توان از دادگاهی که به موجب قانون حق مراجعه به آن را دارد منع کرد».

و ماده ۳۸ قانون کار مصوب آبان ماه سال ۱۳۶۹ می‌گوید: «برای انجام کار مساوی که در شرایط مساوی در یک کارگاه انجام می‌گیرد، باید به زن و مرد، مزد مساوی پرداخت شود. تبعیض در تعیین میزان مزد بر اساس سن، جنس، نژاد و قومیت و اعتقادات سیاسی و مذهبی ممنوع است».

البته در این جا باید اشاره نمود که در قوانین جاری جمهوری اسلامی ایران بر مبنای موازین رایج فقهی و شرعی در برخی موارد محدود مثل میزان حق‌الارث زن و یا ممنوعیت از اشتغال به شغل قضاوت و یا ریاست جمهوری و نصف بودن دیه قتل او نسبت به مرد

تفاوت‌هایی وجود دارد که بعضی از آنها ممکن است با توجه به نظام خاص اجتماعی و ملاحظات و امتیازاتی که از جهات دیگر به زن داده می‌شود قابل توجیه و درک باشد و برخی از آنها، هم نیازمند بررسی عمیق مبانی شرعی آن می‌باشد که شاید در این بررسی نتیجه متفاوتی عادی گردد و در قانونگذاری مؤثر افتد.

۳ - حق شرکت در اداره امور کشور - دخالت در امور عمومی کشور و نقش داشتن در اداره مملکت برای همه افراد جامعه به عنوان یک امر حقوق بشری شناخته شده است. بند ۱ ماده ۲۱ اعلامیه جهانی حقوق بشر می‌گوید: «هرکس حق دارد که در اداره امور عمومی کشور خود خواه مستقیماً و خواه با وساطت نمایندگانی که آزادانه انتخاب شده باشند شرکت جوید... و همین مضمون در ماده ۲۵ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی آمده است.

در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران بر نقش مردم در اداره عمومی کشور و دخالت آنها در تصمیم‌گیریها به مباشرت یا بالواسطه تأکید شده و اصول متعددی این معنی را می‌رساند که از جمله به دو اصل ذیل اشاره می‌شود:

طبق اصل ۶: «در جمهوری اسلامی ایران، امور کشور باید به اتکاء آرا عمومی اداره شود. از راه انتخابات، انتخاب رئیس جمهور، نمایندگان مجلس شورای اسلامی، اعضای شوراها و نظایر اینها، یا از راه همه پرسی در مواردی که در اصول دیگر این قانون معین می‌گردد».

اصل ۷ می‌گوید: «طبق دستور قرآن کریم «وامرهم شورای بینهم و شاورهم فی الامر» شوراها، مجلس شورای اسلامی، شورای استان، شهرستان، شهر، محل، بخش، روستا و نظایر اینها از ارکان تصمیم‌گیری و اداره امور کشورند...»

طبق قوانین عادی مربوط به انتخابات عمومی، تمام آحاد ملت از زن و مرد و از هر نژاد و عقیده سیاسی و مذهبی می‌توانند برای رأی دادن در انتخابات شرکت نمایند، تنها مجانبین، صغار و کسانی که تابعیت جمهوری اسلامی ایران را ندارند ممنوع از رأی دادن هستند. ماده ۲۹ قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی مصوب سال ۱۳۶۲ می‌گوید: «انتخاب کنندگان باید دارای شرایط ذیل باشند:

۱ - تابعیت جمهوری اسلامی ایران.

۲ - ورود به سن ۱۶ سالگی

۳ - عدم جنون

همین مضمون در ماده، ۳۶ قانون انتخابات ریاست جمهوری مصوب سال ۱۳۶۴ و ماده

۱۴ قانون همه پرسی مصوب سال ۱۳۶۸ برای رأی دهندگان مشاهده می‌شود.

## ب - نهادهای قانونی

به غیر از دادگاهها که روند صحیح عملکرد آنها می‌تواند حقوق انسانی افراد را تضمین نماید، از سه نهاد قانونی دیگر که در رسیدگی به تظلمات و شکایات مردم و رسیدگی به آنها و نظارت بر حسن اجرای قانون و نتیجتاً جلوگیری از نقض حقوق، تأثیر به‌سزایی دارند می‌توان نام برد:

۱ - کمیسیون اصل ۹۰ مجلس شورای اسلامی - به موجب اصل نود قانون اساسی: هرکس شکایتی از طرز کار مجلس یا قوه مجریه یا قوه قضائیه داشته باشد، می‌تواند شکایت خود را کتباً به مجلس شورای اسلامی عرضه کند. مجلس موظف است به این شکایت رسیدگی کند و پاسخ کافی دهد و در مواردی که شکایت به قوه مجریه و یا قوه قضائیه مربوط است رسیدگی و پاسخ کافی از آنها بخواهد و در مدت متناسب نتیجه را اعلام نماید و در موردی که مربوط به عموم باشد به اطلاع عامه برساند».

ماده ۴۴ آئین‌نامه داخلی مجلس شورای اسلامی نیز مقرر می‌دارد: «بر اساس اصل ۹۰ قانون اساسی کمیسیونی به نام کمیسیون اصل ۹۰ برای رسیدگی به شکایات از طرز کار مجلس یا قوه مجریه و یا قوه قضائیه و برای تحقق بخشیدن به اهداف مذکور در اصل ۹۰ تشکیل می‌گردد».

این کمیسیون می‌تواند با قوای سه‌گانه جمهوری اسلامی و تمام وزارت‌خانه‌ها و ادارات و سازمانهای وابسته به آنها و بنیادها و نهادهای انقلابی و مؤسساتی که به نحوی از انحاء به یکی از قوای فوق‌الذکر مربوط می‌باشند مستقیماً مکاتبه یا به آنها مراجعه نماید و برای رسیدگی به شکایاتی که از طرف مسئولین مربوطه بدون جواب مانده و یا جواب قانع‌کننده بدانها داده نشده و رفع مشکلات توضیح بخواهد و آنها مکلفند در اسرع وقت جواب کافی بدهند. گزارشهای کمیسیون اصل ۹۰ پس از رایحه به هیأت رئیسه بدون رعایت نوبت در دستور کار مجلس قرار می‌گیرد و در اولین جلسه علنی قرائت می‌گردد».

قانون نحوه اجرای اصل نود قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مصوب سال ۱۳۶۵ تشکیلات و صلاحیت و حدود اختیارات کمیسیون را بیان کرده است. طبق ماده ۳ قانون مزبور: «چنانچه شکایتی نیاز به تحقیق و بررسی داشته باشد، کمیسیون می‌تواند بازرس یا بازرسانی را از میان نمایندگان مجلس شورای اسلامی به انتخاب هیأت رئیسه کمیسیون اعزام نماید. در این صورت مسئولین ذی‌ربط موظفند همکاری لازم را از هر جهت با آنان معمول دارند».

و به حکم تبصره ماده ۵: کمیسیون پس از بررسی لازم و احراز تخلف از دادگاه صالح تقاضای رسیدگی قضایی خارج از نوبت را می‌نماید. دادگاه مکلف است پس از صدور حکم نتیجه را به کمیسیون اطلاع دهد.

۲- دیوان عدالت اداری - طبق اصل ۱۷۳ قانون اساسی: «به منظور رسیدگی به شکایات تظلمات و اعتراضات مردم نسبت به مأمورین یا واحدها یا آیین‌نامه‌های دولتی و احقاق حقوق آنها، دیوانی به نام دیوان عدالت اداری زیر نظر رئیس قوه قضاییه تأسیس می‌گردد. حدود اختیارات و نحوه عمل این دیوان را قانون معین می‌کند».

قانون عادی مربوط به دیوان عدالت اداری در اسفند ماه سال ۱۳۶۰ تصویب شد و بر اساس آن در سال ۱۳۶۱، دیوان عدالت اداری تأسیس گردید.

طبق قانون مزبور دیوان عدالت اداری در تهران تشکیل میشود و امکان تشکیل شعب آن در شهرستانها نیز وجود دارد. هر شعبه دارای دو عضو است که یکی رئیس و یا علی‌البدل رئیس است و دیگری عنوان مشاور را دارد. در حال حاضر، دیوان عدالت اداری بالغ بر ۲۲ شعبه در تهران دارد. رؤسا و اعضا علی‌البدل و مشاوران دیوان عدالت اداری از بین کسانی که صلاحیت قضاوت دارند و معمولاً از بین قضات عالی رتبه انتخاب می‌شوند.

صلاحیت دیوان طبق ماده ۱۱ قانون مزبور به شرح زیر بیان شده است:

- ۱- رسیدگی به شکایات و تظلمات و اعتراضات اشخاص حقیقی یا حقوقی از: الف - تصمیمات و اقدامات واحدهای دولتی اعم از وزارتخانه‌ها و سازمانها و مؤسسات و شرکتهای دولتی و شهرداریها و تشکیلات و نهادهای انقلابی و مؤسسات وابسته به آنها. ب - آیین‌نامه‌ها و سایر نظامات و مقررات دولتی و شهرداریها از حیث مخالفت مدلول آنها با قانون و احقاق حقوق اشخاص در مواردی که تصمیمات یا اقدامات یا مقررات مذکور به علت برخلاف قانون بودن آن و یا عدم صلاحیت مراجع مربوط یا تجاوز یا سوءاستفاده از اختیارات یا تخلف در اجرای قوانین و مقررات یا خودداری از انجام وظایف، موجب تضییع حقوق اشخاص می‌شود.
- ۲- رسیدگی به اعتراضات و شکایات از آراء و تصمیمات قطعی دادگاههای اداری، هیأت‌های بازرسی و کمیسیونهای مالیاتی، شورای کارگاه، هیأت حل اختلاف کارگر و کارفرما، کمیسیون موضوع ماده ۱۰۰ قانون شهرداریها، کمیسیون موضوع ماده ۵۶ قانون حفاظت و بهره‌برداری از جنگلها و منابع طبیعی منحصراً از حیث نقض قوانین و مقررات یا مخالفت با آنها.
- ۳- رسیدگی به شکایات قضات و مشمولین قانون استخدام کشوری و سایر مستخدمین واحدها و مؤسسات مذکور در بند یک و مستخدمین مؤسساتی که شمول این قانون نسبت به

آنها محتاج ذکر نام است اعم از لشگری و کشوری از حیث تضييع حقوق استخدامی.

و طبق ماده ۲۱: «واحدهای دولتی اعم از وزارتخانه‌ها و سازمانها و مؤسسات و شرکتهای دولتی و شهرداریها و تشکیلات و مؤسسات وابسته به آنها و نهادهای انقلابی مکلفند احکام دیوان را در آن قسمت که مربوط به واحدهای مذکور است اجرا نمایند در صورت استتکاف مرتکب به حکم دیوان به انفصال از خدمت دولتی و قانونی محکوم می‌شود».

۳ - سازمان بازرسی کل کشور - اصل ۱۷۴ قانون اساسی مقرر می‌دارد: «براساس حق نظارت قوه قضاییه نسبت به حسن جریان امور و اجرای صحیح قوانین در دستگاههای اداری سازمانی به نام "سازمان بازرسی کل کشور" زیر نظر رئیس قوه قضاییه تشکیل می‌گردد. قانون عادی مربوط به حدود و اختیارات و تشکیلات سازمان بازرسی کل کشور در مهرماه ۱۳۶۰ و آئین‌نامه اجرایی آن در آذرماه همان سال به تصویب رسید.

رئیس سازمان از میان قضات شرع یا قضات دادگستری که حداقل دارای رتبه ده قضایی باشند توسط رئیس قوه قضاییه تعیین می‌شود بازرسان سازمان نیز از بین قضات یا کسانی که گواهی صلاحیت قضاوت را دارند انتخاب می‌گردند.

طبق قانون مزبور، سازمان دو نوع بازرسی انجام می‌دهد: یکی بازرسی مستمر از کلیه وزارتخانه‌ها و ادارات و نیروهای نظامی و انتظامی و مؤسسات و شرکتهای دولتی و شهرداریها و نهادهای انقلابی... (بند الف ماده ۲ قانون)

و دیگری بازرسی فوق‌العاده که طبق بند ب ماده مزبور: بدستور رئیس قوه قضاییه یا به درخواست کمیسیون اصل ۹۰ قانون اساسی مجلس شورای اسلامی و یا به تقاضای وزیر یا مسؤول دستگاههای اجرایی ذی‌ربط و یا هر مورد دیگری که به نظر رئیس سازمان و رئیس قوه قضاییه ضروری تشخیص داده شود.

سازمان شکایات و اطلاعات مردم را نیز دریافت می‌دارد و چنانچه مدلل باشد رئیس سازمان بر اساس آنها بازرسی یا هیأت بازرسی اعزام می‌دارد. (ماده ۹ و ۱۰ آیین‌نامه سازمان بازرسی کل کشور)

طبق تبصره ماده ۲ قانون سازمان بازرسی، در بازرسی‌هایی که به دنبال شکایت انجام می‌گیرد یک نسخه از گزارش مبنی بر تشخیص تخلف توسط سازمان، به دیوان عدالت ارسال می‌گردد. که طبعاً دیوان برحسب مورد اقدام به ابطال تصمیم یا اقدام واحد مورد بازرسی خواهد نمود.

طبق ماده ۶: «در هر مورد که تعقیب جزایی ضرورت پیدا کند، مراتب به پیشنهاد بازرسی یا



رئیس هیأت بازرسی از طریق سازمان به دادستانی محل اعلام و تا حصول نتیجه پی‌گیری شده و در صورتی که خود دادستان و یا حاکم شرع مورد تعقیب قرار گیرند مراتب سریعاً به رئیس قوه قضاییه گزارش تا دستور لازم صادر شود.

دو نهاد جدید حقوق بشر نیز اخیراً اعلام موجودیت کردند یکی کمیسیون حقوق بشر مجلس شورای اسلامی و دیگری کمیسیون حقوق بشر اسلامی قوه قضاییه که هنوز گامهای آغازین را برمی‌دارند و دوران تأسیس و تشکیل را می‌گذارند.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی